

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۷، شماره ۱
بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۹۵-۱۱۳

زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی همزیستی گروه‌های قومی در جامعه تالش

رضا قربانی ریک^۱

سعید معدنی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۱

چکیده

این پژوهش به بررسی روابط گروهی میان اقوام جامعه تالش پرداخته است. چگونگی همزیستی اقوام از جمله ترک، تالش، کرد، تات و گیلک با مذاهب مختلف اسلامی در کنار یکدیگر با حداقل درگیری‌ها و پیدا کردن ریشه‌های این همزیستی می‌تواند منازعات قومی را به یک مسئله اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کاهش دهد. هر قومی دارای فرهنگ، آداب‌ورسوم، باورها، اعتقادات و دیگر شاخصه‌هایی است که با گروه قومی مجاور متفاوت است و حتی می‌تواند منشأ و عامل نزاع و درگیری گردد، اما می‌توان با برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی به همزیستی قومی دست یافت. این پژوهش با مطرح کردن این سؤال که: زمینه‌ها و عوامل اجتماعی مؤثر بر همزیستی گروه‌های قومی در جامعه تالش کدام‌اند؟ با روش اسنادی و تکیه بر منابع مکتوب، مصاحبه عمیق، مشاهده مشارکتی و استفاده از روش اکتشافی در توصیف و تحلیل اطلاعات صورت گرفته است. پس از جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پژوهش، ترکیبی از نظریه‌های بسیج سیاسی وبر، مبادله، همبستگی دورکیم، همانندسازی، کنش متقابل نمادی و کثرت‌گرایی قومی در بررسی و تهیه مدل همزیستی اجتماعی در تالش، فراخوانی شده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش، به این نتیجه می‌رسیم که: تجربه مشترک تاریخی، مبادلات فرهنگی و اجتماعی، تقسیم‌کار، همسازی و اجتماعی شدن در همزیستی گروه‌های قومی مؤثر بوده‌اند.

کلید واژگان: تالش، تکثر قومی، روابط قومی، گروه قومی، همزیستی.

بیان مسئله

جامعه کنونی تالش از گروه‌های قومی مختلفی از جمله تالش، ترک، کرد، تات و گیلک تشکیل شده که در شرایط و زمان‌های مختلف در جوار یکدیگر بوده و با وجود اختلافات جزئی و تفاوت‌های ریشه‌ای سعی در همزیستی گروهی داشته‌اند. در پژوهش حاضر سعی شده است الگویی برای بهبود روابط متقابل و افزایش همزیستی و نزدیکی اقوام به یکدیگر تبیین شود. امروزه بحث قومیت‌ها و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن از اهمیت خاصی برخوردار است. اهمیت مسئله قومیت در جوامع چندنژادی و فرهنگی به حدی است که می‌تواند امنیت ملی جوامع را تهدید و یا تضمین کند.

در سال‌های اخیر درگیری‌ها و منازعات مختلف قومی و عقیدتی در کشورهای همسایه ایران و احتمال تأثیرپذیری اقوام ساکن در کشور از این حوادث به یکی از دغدغه‌های مهم تبدیل شده است. رویدادهای مربوط به اقوام کرد، عرب، ترک و ... خارج از کشور نمونه‌های بارز از مسائل قومی محسوب می‌شود. گذار از کشمکش و تعارض به تعادل و همزیستی متقابل تنها با ترسیم، تبیین و مطالعه علمی و همه‌جانبه میسر است مسئله‌ای که مستلزم بررسی گسترده اجتماعی بوده و در غیر این صورت اجرای هر برنامه‌ای ممکن است خسارت جبران‌ناپذیری بر روابط قومی و در نهایت بر امنیت ملی و منطقه‌ای وارد آورد؛ بنابراین سعی بر آن است با پیدا کردن این عوامل، راهکارهایی ارائه کرد تا منازعات و درگیری‌های احتمالی قومی به عنوان یک مسئله اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کاهش یابد.

چارچوب نظری

در تحلیل یافته‌های پژوهش از الگوی نظری همزیستی فرهنگی و اجتماعی استفاده شده که با فراخوانی ترکیبی از نظریه‌های بسیج سیاسی، مبادله، همبستگی، همانندسازی، کنش متقابل نمادین و کثرت‌گرایی قومی به دست آمده است. از آنجا که به‌کارگیری صرف چند نظریه انجام پژوهش علمی را محدود می‌کند بنابراین سعی در به‌کارگیری بخش‌های لازم و مفید از هر کدام از نظریه‌ها در این پژوهش بوده است. علت این امر در تطبیق نظریه‌ها با داده‌هایی بود که بر اساس مصاحبه‌های عمیق، مطالعات اسنادی و مشاهده مشارکتی به دست آمده‌اند.

وبر قومیت را بر حسب مفهوم فعالیت سیاسی پویا تعریف می‌کند (بنگرید به کریمی، ۱۳۹۰: ۱۱۵-۱۴۸). بر این اساس تجربه سیاسی مشترک و نه اصل یا نیای مشترک عامل اصلی پیدایش وجدان گروهی است (همان: ۱۰۲). این امر در مورد گروه‌های قومی در تالش نیز مصداق دارد، این گروه‌های قومی نسبت به منطقه تالش احساس وابستگی دارند زیرا در خاطرات و تجربیات سیاسی مردم تالش مشترک بوده و این امر می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر همزیستی بین گروه‌های قومی ساکن در تالش است.

نظریه مبادله از دیگر نظریه‌های مورد استفاده در تبیین روابط همزیستی بین گروه‌های قومی تالش است. پیتز بلاو یکی از نظریه‌پردازان مکتب مبادله است که تلاش

داشت نظریه‌ای را پیروارند که تلفیقی از رفتارگرایی اجتماعی و واقعیت‌گرایی اجتماعی باشد (ریترز، ۱۳۷۹: ۴۳۴).

«بلاو، مبادله را یک جریان اجتماعی می‌داند که ریشه در جریان‌های اولیه روان‌شناختی دارد و بسیاری از پدیده‌های پیچیده از قبیل ساخت و سازمان اجتماعی از آن ایجاد شده است. تمایل اصلی بلاو در تبیین همه امور اجتماعی از دریچه مبادله است و همه رفتارها مانند مبادله تبیین می‌شود» (آزاد ارمکی، ۱۳۷۱: ۲۵۸).

«افراد هرگاه احساس کنند یک گروه پاداش بیشتری را از گروه دیگر برایشان دارد جذب آن گروه می‌شوند و به عبارتی عضو آن می‌گردند» (ریترز، ۱۳۷۹: ۴۳۶).

انسجام، یگانگی و اتحاد مردم یک جامعه اسباب حرکت آن‌ها به سمت هدف‌های مطلوب است و رشد جامعه را در پی دارد. «انسجام یا همبستگی اجتماعی معمولاً مفهومی را می‌رساند که بر پایه آن در سطحی که اعضا گروه یا یک جامعه به یکدیگر وابسته‌اند و به‌طور متقابل نیازمند یکدیگرند» (بیرو، ۱۳۶۷: ۴۰۰). «همبستگی ارگانیک نه از همانندی‌های افراد جامعه بلکه از تفاوت‌هایشان پرورش می‌یابد. این‌گونه همبستگی فرآورده تقسیم‌کار است. هرچه کارکردهای یک جامعه تفاوت بیشتری یابند، تفاوت میان اعضای آن نیز فزون‌تر خواهد شد» (کوزر، ۱۳۷۸: ۱۹۰).

تخصص و تقسیم‌کار در دوره جدید باعث همبستگی ارگانیکی و وابستگی افراد به یکدیگر می‌شود. نظریه همانندسازی یکی از نظریه‌های مهم در بررسی روابط بین گروه‌های قومی ساکن در منطقه تالش است. کاهش اختلافات فرهنگی و ساختاری در بین گروه‌های قومی از نتایج الگوی همانندسازی است. در صورت اجرای کامل الگو جامعه‌ای همگن و متجانس به وجود خواهد آمد و قومیت برای توزیع نابرابر ثروت و قدرت نقش مؤثری نخواهد داشت (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۵۳).

نظریه کنش متقابل نمادی به منظور تبیین قومیت، جنبش‌ها و رفتار جمعی گروه‌های قومی و تکوین ناسیونالیسم قومی به عنوان یکی از مظاهر تنوع فرهنگی و شکاف اجتماعی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است (ادیبی، ۱۳۸۱: ۱۶). این نظریه در بررسی روابط همزیستی گروه‌های قومی ساکن در منطقه تالش فراخوانی شده است. «مهم‌ترین تأکید نظریه کنش متقابل نمادی در همزیستی گروه‌های قومی، جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن است» (فورسایت، ۱۳۸۴: ۱۶۳).

طبق نظر بلومر خصومت‌ها، هم‌احساسی‌ها و همسازی‌های قومی اغلب حس یک گروه در رابطه با گروه‌های دیگر است و مفهوم گروه‌های قومی و نژادی از فرایند اجتماعی شدن اولیه و ثانویه شکل می‌گیرد و سپس به وسیله نخبگان سیاسی مفصل‌بندی می‌شود (کریمی، ۱۳۹۰: ۲۰۱). همزیستی گروهی به‌واسطه اجتماعی شدن به نسل بعد منتقل

می‌شود. «تکثرگرایی از جمله الگوهای ارتباط درون‌گروهی است که در آن گروه‌های قومی و نژادی در عین اینکه زبان، مذهب، آداب‌ورسوم خود را حفظ می‌کنند، جامعه‌پذیر شده، با گروه‌های دیگر کنار می‌آیند و یا الگویی اجتماعی است که در آن اقلیت‌های قومی و نژادی، در عین حفظ تفاوت‌های خود از یکسانی اجتماعی برخوردارند» (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۴۹۴). تکثرگرایی فرهنگی به مسئله نحوه مواجه شدن با ناهمگنی مربوط می‌شود و ضمن تأکید بر به رسمیت شناختن کثرت و تعدد فرهنگ‌ها، مذاهب و نحله‌های فکری موجود در جامعه، احترام گذاردن به حقوق مخالفین در حیطه رفتارهای اجتماعی و تحمل اندیشه‌های متعدد همدیگر را مورد توجه قرار می‌دهد (سیا‌پرا، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

پرسش‌های پژوهش

پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش اصلی است که زمینه‌ها و عوامل اجتماعی مؤثر بر همزیستی گروه‌های قومی در جامعه تالش کدام‌اند؟ پرسش‌هایی دیگر که مقاله آن‌ها را بررسی می‌کند به این شرح است

۱. گروه‌های قومی ساکن تالش در طول تاریخ چه وقایع سیاسی را در جوار یکدیگر تجربه کرده‌اند؟

۲. آیا روابط مبادله اجتماعی، خویشاوندی، اقتصادی، فرهنگی و ... در همزیستی گروه‌های قومی نقشی داشته‌اند؟

۳. آیا گروه‌های قومی جهت رفع نیازهای اجتماعی و اقتصادی به یکدیگر وابستگی دارند؟

روش‌شناسی

انجام پژوهش فوق با تکیه بر روش تحقیق کیفی بوده است. مصاحبه‌شوندگان هر گروه قومی از طریق روش گلوله برفی شناسایی شدند. مصاحبه‌شوندگان از هر گروه قومی در سرتاسر منطقه تالش پراکنده بوده و مرز دقیقی بین آنان قابل ترسیم نیست اما می‌توان گفت در مجاورت آستارا و اردبیل، تعداد ترک‌ها، در مجاورت انزلی، صومعه‌سرا و رشت تعداد گیلک‌ها و در مجاورت خلخال و تالش تعداد تات‌ها و کردها بیشتر است؛ بنابراین بسیاری از مصاحبه‌شوندگان با توجه محل استقرار و سکونتشان در داخل منطقه تالش انتخاب شده‌اند. برای تحلیل و توصیف اطلاعات و مقایسه آن‌ها از روش اکتشافی استفاده شده است. اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات اسنادی (فیش‌برداری) و مطالعات میدانی (مصاحبه و مشاهده) گردآوری شده و از تحلیل کیفی با تأکید بر تفسیر تأویلی و تفهیمی برای سنجش داده‌ها و نتیجه‌گیری بهره گرفته شده است.

مقاله در تلاش است با تکیه بر مطالعات اسنادی، مصاحبه عمیق، مشاهده مشارکتی و رهیافت تحلیلی در مفهوم همزیستی اجتماعی بازنمایشی داشته باشد. در این میان سعی شده در هیچ موردی نظر محقق لحاظ نشود و انجام تحقیق بدون پیش‌داوری و سوگیری

صورت گیرد. بر این اساس زمینه اجتماعی - تاریخی تأثیرگذار بر متن یا واقعه مطالعه و با هدایت نظری تحلیل شده‌اند.

جامعه مورد پژوهش

جامعه مورد مطالعه این تحقیق گروه‌های قومی ساکن در شهرستان تالش (طوالش) در استان گیلان در شهرهای حویق، لیسار، هشتپر و اسالم است و از آنجا که عوامل مؤثر بر همزیستی گروه‌های مختلف قومی (کرد، تالش، ترک، تات و گیلک) ساکن در این منطقه مد نظر است، محدوده ارتباطی این اقوام شامل قلمرو جغرافیایی داخل شهر تالش و نیز مرزهای قومی در محدوده تالش و تات در مرز اسالم و خلخال، تالش و کرد در مرز کوه‌های تالش و خلخال، تالش و ترک در مرز تالش و آستارا و اردبیل و تالش و گیلک در مرز تالش و مناطق گیلک نشین را در برمی‌گیرد (نقشه شماره ۱). محدوده زمانی پژوهش از ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ است.

نقشه ۱: موقعیت شهرستان تالش در استان گیلان



منبع: سایت سازمان مدیریت برنامه‌ریزی استان گیلان

منطقه تالش به جهت قرار گرفتن در گذرگاه مهاجرت‌های تاریخی با ترکیب قومیت‌های مختلف در بافت جمعیتی خود مواجه است که به تناسب پیشینه تاریخی و تحولات سیاسی و اجتماعی در گستره سرزمین توزیع و مستقر شده‌اند. تالش‌ها با اقوام مختلفی از جمله ترک‌ها، گیلک‌ها، تات‌ها و کردها و با مذاهب تشیع و تسنن در ارتباط

هستند که در این پژوهش عوامل همزیستی گروه‌های فوق در جامعه تالش با وجود تفاوت‌های قومی در طی سالیان طولانی مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

با مطالعه روابط بین گروه‌های قومی ساکن در جامعه تالش می‌توان مؤلفه‌هایی چون حوادث سیاسی مشترک بین اقوام، روابط مبادله، تخصص‌گرایی، همسازی اجتماعی و اجتماعی شدن در جامعه متکثر قومی را در ایجاد همزیستی بین آنان مؤثر دانست که هر کدام از این عوامل تشریح می‌شوند.

تجربه حوادث سیاسی مشترک (بسیج سیاسی)

با مروری بر پیشینه تاریخی روابط قومی در بین گروه‌های تالش، ترک، کرد، گیلک و تات درمی‌یابیم که این گروه‌ها از در دوران جنگ و ستیز با یکدیگر خاطرات و تجربیات مشترکی دارند و در دوران بهبود روابط نیز تجربیات دیگری دارند که به صورت مشترک در بین هرکدام از گروه‌های قومی شکل گرفته و در تاریخ هر قوم به عنوان ویژگی بارز دوران گذشته ثبت شده است.

«مشکلاتی که میان چادرنشینان تالش و قدرت‌های مرکزی به وجود می‌آمده در اصل مربوط به اختلاف شکل و ساختمان تشکیلات مرکزی با مفهوم تازه آن و شکل و ساختمان رژیم ایلدانی تالشی بوده و این اختلاف مانع آن می‌شده که نهادهای ایلی خود را به مجموعه کادر ملی وابسته بگردانند. وجود گوناگونی فراوان شیوه‌هایی که سازمان سیاسی ایل را در برمی‌گیرد، این تجزیه و تحلیل را به قدر کافی پیچیده می‌سازد. با این وصف در تمام منطقه مورد بحث در اصل و پایه تشکیلات سیاسی آن‌ها وجود برخی منافع دسته‌جمعی و مشترک اساسی را بازمی‌یابیم. این منافع است که تمام اعضا جوامع چادرنشین تالش که در قلب این سازمان‌ها مجتمع گشته‌اند در آن سهیم هستند. این منافع مشترک شامل دفاع از خود جامعه، حقوق مربوط به چراگاه مشترک و ترتیباتی است که برای ایجاد سهولت و همکاری در موقع کوچ‌های بزرگ صورت می‌پذیرد. با وجود آنکه این منافع، همگی دارای همان اهمیت نسبی در مناطق مختلف نیستند، می‌توان آن‌ها را به صورت یک منبعی که سبب پیدایش سازمان‌های سیاسی ایلی در منطقه تالش گردیده‌اند مورد نظر قرار داد» (قربانی، ۱۳۸۳: ۹۶).

برخی از افراد گروه‌های قومی ساکن در تالش تجربه خود را به این شکل مطرح

می‌کنند

«گروه‌های قومی ترک، گیلک، کرد، تالش و تات بعد از گذشت چندین سال و سپری کردن دوره تاریخی مشترک و طی حوادث مختلفی از جمله

جنگ‌ها، شورش‌ها، تاخت‌وتازها، مبادلات اقتصادی و اجتماعی، تالش امروزی را تشکیل داده‌اند به خاطر این موضوع است که این اقوام امروزه در کنار هم به خوبی و خوشی زندگی می‌کنند» (پیمان کاظمی، ترک ساکن تالش)

تجربه سیاسی مشترک و نه اصل یا نیای مشترک، عامل اصلی پیدایش وجدان گروهی است.

«جامعه قومی تالش، از لحاظ تاریخی یک جامعه قومی منسجم است که هویت خود را از زبان، تاریخ، فرهنگ و زبان مشترک می‌گیرد و پیوسته با جوامع همگن همسایه یا اقلیت‌های زبانی زندگی مسالمت‌آمیز بر پایه منافع مشترک داشته است» (علی عبدلی، تات ساکن رضوانشهر)

سرزمین، منابع و منافع مشترک از مواردی است که باعث نزدیکی گروه‌ها شده و روابط قومی را شکل می‌دهد. «این منافع مشترک شامل دفاع از خود جامعه، حقوق مربوط به چراگاه مشترک، مراکز دادوستد و ترتیباتی است که برای ایجاد سهولت و همکاری در مواقع مراسم بزرگ ملی صورت می‌پذیرد. با وجود آنکه این منافع همگی دارای همان اهمیت نسبی در مناطق مختلف نیستند، می‌توان آن‌ها را به صورت یک منبعی که سبب پیدایش سازمان‌ها و نهادهای مشترک گردیده‌اند، مورد نظر قرار داد» (همان: ۹۷).

«گروه‌های انسانی در عین داشتن اختلافات داخلی و قومی، دارای پیشینه سیاسی مشترکی به واسطه برخوردهای دوستانه یا کشمکش‌ها بوده‌اند که قسمتی از تاریخ هر دو قوم را در بر گرفته و تجربه مشترک را شکل می‌دهد» (نسرین کاغذی، ترک ساکن تالش)

روابط مبادله اجتماعی و اقتصادی

وجود مبادلات مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... یکی از نشانه‌های نزدیکی گروه‌های قومی به یکدیگر است. از منظر نظریه مبادله پیتر بلاو، مجاورت گروه‌های قومی منطقه تالش در فضای چندبعدی احتمال مشارکت و رابطه هم‌زیستی بین افراد را افزایش می‌دهد.

«تولید کالاهای محلی در اقتصاد معیشتی تالشان، جوابگوی نیاز تولیدکنندگان بوده و با پیدایش مازاد تولید، نیاز به مبادله کالاها با یکدیگر وجود داشته و مبادلات مختلف شکل گرفته است. شکل گرفتن مبادلات در حقیقت راهی برای جبران و تأمین نیازهای زندگی و تهیه کالاهایی بود که توسط تالش‌ها تولید نمی‌شد» (کمال سازمند، تالش ساکن هشتر)

تبادل محدود نیروی کار بین تالش و بقیه نقاط گیلان سبب جریان شدید ورود کارگران آذربایجانی به ایران خزری شده است (بازن، ۱۳۶۷: ۱۹۳). زنان دامداران همراه با زنان روستایی فقیر و زنان شهرنشین بی‌بضاعت شهرهای گیلان، نیروی کار لازم جهت نشا و جین به برنجزارها را تأمین می‌کنند (همان).

«ترک‌ها بسیاری از فعالیت‌های تجاری منطقه را در دست داشتند. بسیاری از اموری که نیاز به مهارت خاصی داشت مانند دوخت انواع پالان، لحاف و تشک و تهیه چادر سیاه، توسط کردها صورت می‌گرفت» (سعید فتح الهی، ترک ساکن هشتپر)

تصویر ۱: بازارها عرصه مبادله بین اقوام مختلف



منبع: نگارنده

«در بازار روز محلی، کالاهای مختلف تولیدی یک قوم خاص ارائه می‌شد. مثلاً بسته‌های چای، ماهی‌های خشک‌شده توسط گیلک‌ها، گوسفند توسط تالش‌ها و ترک‌ها، نمک، قند، پارچه، قالی و انواع محصولات صنایع شهری توسط ترک‌ها، پوست جانوران، انواع محصولات لبنی و کشاورزی توسط تالش‌ها، زیورآلات و صدف (انگشتر، مروارید و...)، عطر، انواع گردن بند و انگشتر، پارچه‌های مختلف، عدس و... توسط کردها به بازار عرضه می‌شد» (الیاس پورنوری، تالش ساکن اسالم)

تبادل کالاها از یک‌سو و تبادل ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی از جمله زبان، آداب و سنن در میان گروه‌های قومی امروزه نیز وجود دارد.

«نمایش‌ها، مسابقه‌ها و بازی‌های گروه‌های مختلف محلی (از جمله اسب‌دوانی)، آلات موسیقی و نمایش‌های نوازندگی آنان، روابط خویشاوندی، آداب‌ورسوم خاص و زمان و مکان تحویل کالاها همه حکایت از جنبه‌های

غیراقتصادی مبادلات و تبادلات اجتماعی و فرهنگی بین اقوام دارد». (پویان پورشفقته، تالش ساکن اسالم)

برای جوانان بازار هفتگی مناسب‌ترین محل برای جست‌وجوی همسر آینده به شمار می‌رود و بسیار اتفاق می‌افتد که در آنجا ملاقاتی بین یک دختر و یک پسر که برای هم نامزد شده‌اند ترتیب دهند و در این صورت نامزد جوان خرج همه را می‌پردازد (بازن، ۱۳۶۷: ۵۵۵).

«مهم‌ترین عامل اجتماعی هم‌زیستی قومی، بعد از مبادله اقتصادی و روابط دادوستد کالاها و محصولات تولیدی، رابطه ازدواج و پیوند زناشویی بین اقوام مختلف ساکن در منطقه تالش است». (سعید افراسیابی، کرد ساکن تالش)

علاقه یکسان اقوام به برقراری ارتباط با دیگر گروه‌های قومی، انتخاب همسر، عروس یا داماد از اقوام دیگر، روابط خویشاوندی و همسایگی، از مواردی است که در بحث هم‌زیستی گروه‌های قومی جامعه تالش حائز اهمیت است. از مجموع مصاحبه‌ها مشخص شد که تالشان با تمامی اقوام منطقه رابطه خویشاوندی داشته و از هیچ قوم و مذهبی فاصله نگرفته‌اند و یا هیچ قومی را پست و تحقیر نمی‌دانند. در دادوستد تجاری، خویشاوندی و نیروی کار، ارتباط با دیگر گروه‌های قومی مشهود است. مثلاً در هر مرحله از مراسم عروسی، از خواستگاری و بله برون گرفته تا مرحله عقد، حنابندان و عروس‌بران، شرکت همه گروه‌های قومی در یک مجلس عروسی بلامانع بوده و همه میهمانان از پذیرایی و احترام متناسب و یکسانی برخوردارند.

وابستگی گروه‌های قومی به یکدیگر/تخصص و تقسیم کار

در همبستگی ارگانیکی وحدت انسجام‌یافته اجتماعی نشان‌دهنده تمایز اجتماعی افراد با یکدیگر است. «اغلب مهاجرین در حرفه مخصوص متخصص هستند و هر شخص توسط قوم و خویشان و یا همسایگان خود به کار دعوت می‌شود حرفه‌ها بسیار متنوع هستند مانند کارگران نانویی، نقاش ساختمان، کارگران فنادی، نجار، بناها، بافندگان، خیاطان و کارگران فنی از قبیل جوشکار، آهنگر، سیم‌کش، چوب‌بست ساز و غیره» (همان: ۵۳۲). به واسطه ورود فناوری‌های نو و ایجاد تخصص‌های جدید حرفه‌های جدیدی شکل گرفته‌اند که بر اساس نظریه ماتریالیسم فرهنگی ماروین هریس قابل تحلیل است؛ «تنوع فعالیت‌ها در مسیر استان‌های خزری از این هم بیشتر است مانند آماده نمودن برنجزارها، چیدن مرکبات، صید، کارهای شهری، صنعتگری و درودگری» (همان: ۵۰۳). لزوم هم‌زیستی اجتماعی در جامعه امروزی تالش (برخلاف گذشته) بر اساس شباهت‌ها و همانندی‌ها نیست بلکه بر اساس تفاوت‌ها و تمایزهایی است که به دلیل تخصص مورد نیاز جامعه به وجود آمده است؛ و نمونه‌های دیگر، نشان از وابستگی گروه‌ها جهت رفع نیازهای یکدیگر است. مثلاً در یک

مراسم عروسی افرادی از همه گروه‌های قومی وجود دارند. علاوه بر شرکت‌کنندگان، ممکن است برخی از امور به افرادی از گروه‌های قومی دیگر واگذار شده باشد.

تماس فرهنگی - اجتماعی و نقش سیاست دولت در همسازی

شبیه‌سازی در برخی موارد باعث همزیستی اقوام می‌شود و به نوعی پیروی یک گروه قومی از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی گروه یا مرجع دیگر در زمینه‌های زبان، رسوم، اقتصاد، سیاست و... است. «در جامعه تالش امکان همه‌جانبه همانند کردن اقوام وجود نداشته و شبیه‌سازی افکار و عقاید مردم بسیار زمان‌بر و مشکل است». (صدیق بدری، گیلک ساکن تالش) هر چند ممکن است در برخی موارد مانند دین، مذهب یا قوانین اجرایی و قضایی کشور همانندی‌هایی بین اقوام وجود داشته باشد اما یکسان‌سازی عمومی هرگز قابل اجرا نیست. وابستگی به واحدهای سیاسی و یا اداری خارج از محدوده عمومی و اداره آن توسط اعضای سایر اقوام از مراکز تصمیم‌گیری خارج از منطقه از نمونه‌های همانندسازی است (همان: ۶۴۳). «گروه‌ها ممکن است فقط به ظاهر شبیه به هم شوند اما عملاً با یکدیگر همزیستی نداشته باشند» (اباصلت حیدری، کرد ساکن تالش).

«چند شوهری، هم‌جنس‌گرایی، ازدواج با محارم، نقض قوانین جامعه، وابستگی به بیگانگان، کج‌روی و عدم پیروی از هنجارهای اجتماعی در سطح قومی (تالش) و حتی ملی (ایران)، از جمله مواردی است که از جانب همه گروه‌های قومی ممنوع و ناشایست تلقی شده و ملاک سنجش رفتارها، فرهنگ ایرانی - اسلامی است» (کمال سازمند، تالش ساکن تالش).

اجتماعی شدن افراد در جامعه متکثر قومی

یکی از عوامل مهم همزیستی در بین گروه‌های قومی ساکن در تالش و انتقال ویژگی‌های همزیستی به نسل بعد، جامعه‌پذیری و سپس اجتماعی شدن^۱ در جامعه متکثر قومی است.^۲ اگر از دید مکتب‌کنش متقابل نمادی به بررسی این قضیه بنگریم، تعامل اقوام ساکن در تالش همواره در متن زندگی جاری بوده است.

ازدواج‌های میان قومی، چند مذهبی و چندزبانی از دلایل این ادعا است. در نواحی مختلف تالش اقوام مختلف با هم رابطه ازدواج و خویشاوندی دارند و در این خانواده‌ها کودک به طور هم‌زمان چند زبان را یاد می‌گیرد. چندزبانگی کودکان ساکن در تالش به معنی اجتماعی شدن و افزایش قدرت پذیرش فرهنگ دیگری و افزایش و تعمیق فهم فرهنگی و تمدنی در سده‌های طولانی در کشور ما بوده است.

^۱ socialization

^۲ اگرچه در فارسی مفاهیم جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن معادل یکدیگر به کار رفته‌اند ولی از نظر هربرت بلومر اجتماعی شدن به معنی ذوب شدن و یکی شدن و جا افتادن در جامعه کلان است و تنها بعد از جامعه‌پذیری است که فرایند اجتماعی شدن می‌تواند رخ دهد.

مراودات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... بین اقوام مختلف ساکن در تالش و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز آنان شاید بتواند به عنوان الگویی برای کاهش چالش‌های قومی در نواحی مناقشه‌آمیز قومی باشد.

«علی‌رغم وجود قومیت‌های گوناگون، عوامل وحدت‌آفرینی چون سرزمین مادری، زبان فاخر پارسی و دین مشترک همواره در ذهن و ضمیر ایرانیان جاری و نقش‌آفرین بوده و از تفرق اقوام ایرانی ممانعت نموده است؛ اما در مجموع هویت ایرانی بر همه منازعات و اختلافات غلبه یافته و آن‌ها را پایان داده است» (قاسم تجربه کار، گیلک ساکن تالش).

«پذیرش تفاوت‌های قومی و مذهبی از مهم‌ترین عوامل ایجاد هم‌زیستی اقوام در جامعه تالش بوده است. همه اقوام و مذاهب در عین داشتن عقاید و باورهای خاص قومی، بر طبق ارزش‌های مشترک جامعه عمل کرده و به آن احترام می‌گذارند. کردها، ترک‌ها، اهل تسنن و تشیع دارای مسجد و حوزه علمیه مختص به خود هستند» (کامران خوش‌قدم، ترک ساکن لیسار)

مثلاً در اسالم، هشتپر، خرگیل و ... مساجد اهل سنت و تشیع با فاصله کمتری از یکدیگر قرار گرفته‌اند. در مواردی که امکان ساخت مسجد جداگانه وجود نداشته باشد (به دلیل کمبود امکانات مالی) هر دو گروه مذهبی (شیعه و سنی) در کنار یکدیگر مراسم مذهبی خویش را برگزار می‌کنند. همه گروه‌ها (مذهبی و قومی)، ضمن قبول تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص گروهی معتقد به همبستگی و هم‌زیستی در کنار یکدیگر هستند و جامعه چند قومی بر پایه احترام متقابل شکل گرفته است.

محتوای جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن بر حسب جنسیت، قومیت، اقتصاد، اجتماع، مذهب و جغرافیا متفاوت است. مراسمی چون برگزاری ضیافت‌ها و مهمانی‌های مشترک قومی، جشن‌های مختلف، مناسک ورود به سن تکلیف و عضویت در سازمان‌های اداری و اجتماعی مشترک ماهیت نقش‌های اجتماعی در کنار گروه‌های قومی دیگر را ساخته و افراد را برای زندگی در این جامعه چند قومی آماده می‌سازد.

برخی اطلاع‌رسانان این کته را مطرح می‌کنند که میزان بالای کج‌روی‌های اجتماعی، ارتباطی به فرهنگ و اجتماعی شدن یک قوم خاص ندارد و بیشتر به آن موقعیتی مربوط است که این مردم در محیط جامعه با آن روبرو هستند و توسل به فرهنگ قومی یک گروه خاص برای تبیین رفتارهای ناپسند تنها سرپوش گذاشتن بر نگاه علمی به این قضیه است. در حقیقت جامعه تالش از تک‌تک افراد تشکیل شده و هر چند جامعه به عنوان ساخت (کل)، تعیین‌کننده است، اما در نهایت انسان‌ها هستند که تصمیم گرفته و مسیر خود را انتخاب می‌کنند.

«قائل شدن ویژگی اختیار برای افراد انسانی از مواردی است که در بحث همزیستی باید به آن توجه شود؛ بنابراین انسان‌هایی که در جامعه تالش با گروه‌های مختلف قومی در ارتباط هستند، سعی در شکل بخشیدن و تعدیل فرهنگ‌ها و شرایط جامعه جهت فراهم کردن شرایط مناسب و مساعد همزیستی به شیوه‌های گوناگون هستند» (کامران خوش‌قدم، ترک ساکن لیسار)

عوامل جامعه‌پذیر کننده یعنی افراد، گروه‌ها و سازمان‌هایی که جامعه‌پذیری توسط آن‌ها و در درون آن‌ها اتفاق می‌افتد؛ در جامعه چند قومی تالش عبارت‌اند از خانواده و شبکه خویشاوندان، گروه دوستان و همسالان، نهادهای آموزشی، وسایل ارتباط‌جمعی، شغل و محیط‌های کاری، نهادها و کانون‌های مذهبی، طبقات اجتماعی، گروه‌های مرجع مانند گروه‌های مذهبی و قومی.

«کودکان ساکن در تالش، هم‌بازی‌هایی از گروه‌های قومی مختلف دارند. به هنگام بازی بسیاری از کردارها، ارزش‌ها و باورها بین دو طرف ردوبدل می‌شود» (اباصلت حیدری، کرد ساکن تالش). مخصوصاً در بازی‌های دسته‌جمعی شرایط انتقال و توجه به ارزش‌های مشترک بیشتر فراهم می‌شود. پذیرش و نمایش ارزش‌های گروه همسالان در پذیرش ارزش‌های اجتماعی از سوی فرد نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. عضویت در گروه همسالان (از هر قوم و مذهبی) کودکان را برای نخستین بار در زمینه‌ای قرار می‌دهد که بیشترین قسمت جامعه‌پذیری بدون هیچ‌گونه طرح‌سنجیده‌ای در آن اتفاق می‌افتد «جمع شدن گروه‌های همسال در بازی‌هایی چون فوتبال زمینه نزدیکی آن‌ها را فراهم می‌سازد» (فاطمه حسرتی، تالش ساکن سیاه داران).

تصویر ۲: انتقال ارزش‌های مشترک در بازی‌های گروهی



منبع: نگارنده، اسالم، تابستان ۱۳۹۴

تجربه تاریخی در سطح ملی و جذب اکثر مهاجرت‌های داخلی از سوی منطقه تالش حکایت از به رسمیت شناخته شدن تکثر فرهنگی و قومی و عدم پروای مهاجران از نابود شدن هویت قومی خود پس از مهاجرت به منطقه تالش دارد.

تحلیل یافته‌ها

نگارنده در این پژوهش به عوامل مختلفی در هم‌زیستی اجتماعی اشاره کرده که هم‌زیستی در همسایگی و مجاورت اقوام از مهم‌ترین مؤلفه‌ها است. شاید ذهن هر پژوهشگری در ریشه‌یابی عوامل اجتماعی هم‌زیستی گروهی متوجه مبادله گروهی بین اقوام شود اما بعد از مرور مجدد اسناد کتابخانه‌ای و تحلیل مصاحبه‌های عمیق و واکاوی داده‌های مصاحبه نقش تجربه حوادث و وقایع سیاسی و تاریخی مشترک پررنگ‌تر شد. تجربه رخداد‌های تاریخی و مخصوصاً سیاسی زمینه را برای نزدیکی اقوام به یکدیگر فراهم ساخته است. برای مثال زمانی که گروه‌های قومی کرد وارد منطقه شده‌اند؛ درگیری‌هایی بر سر چراگاه‌ها و آبشخورها بین کردها و تالش‌ها به وجود آمده است. در این شرایط علاوه بر شکل‌گیری یک تجربه سیاسی - تاریخی مشترک، مبادله‌ای (دادن یک دختر در ازای خون مقتول) صورت گرفته است.

تمام مردمانی که در سرزمین تالش زندگی می‌کنند، سرنوشت مشترک و تاریخ واحدی دارند که در طول سالیان دراز تکوین یافته و وجوه مشترک (علی‌رغم تنوع گویش و زبان‌های محلی و قومی) آن‌ها را به یکدیگر پیوند داده است. مهم‌ترین ویژگی تنوع قومی در تالش و تفاوت آن با سایر جوامع، اصالت ایرانی اقوام و نقش مشترک آن‌ها در ساخت هویت ایرانی است. جداسازی اعمال زندگی فرهنگی و اجتماعی این مردم از اعمال مذهبی بسیار دشوار است. تالش و هم قوم بودن اهل تسنن و تشیع نقش بزرگی در این همبستگی دارد. اینان در عین حال که برادران دینی هستند، برادران خویشاوند یکدیگرند که از یک قوم برخاسته و برای ساخت جامعه‌ای متکثر و مطلوب در تلاش‌اند.

دادوستد و مبادله‌های بین قومی به صورتی غیرمستقیم به همگرایی و پیوستگی و در نهایت به هم‌زیستی گروهی انجامیده است. از گذشته‌های دور تالش‌ها با اقوام کرد، تات، ترک و گیلک روابط اقتصادی داشتند. روابط اقتصادی با هر گروه از اقوام ویژگی‌های خاص خود را دارد. تالش‌ها مبادلات چندانی از نظر فروش برنج با گیلک‌ها ندارند اما با ترک‌ها، کردها و گاهی تات‌ها مبادلات گسترده‌ای در این زمینه دارند یا اینکه مبادلات کرم ابریشم (پيله) بین تالش‌ها و گیلک‌ها صورت می‌گیرد و علت آن وجود صنایع و فناوری وابسته به ابریشم در منطقه شرق و مرکز گیلان است. در برخی موارد روابط یکسانی با هر دو گروه ترک و گیلک برقرار می‌شود؛ فروش و مبادله حیوانات (دام) با هر دو گروه (ترک و گیلک) انجام می‌شود و خرید سیب‌زمینی و گوجه از ترک‌های اردبیل یا زنجان و خرید انواع میوه‌های خزری از گیلک‌ها صورت می‌گیرد.

تصویر ۳: چشمه مورد استفاده مشترک دامداران تالش، کرد و ترک



منبع: رضا قربانی ریک، اسالم، ۱۳۹۳

در سال‌های اخیر گسترش مبادلات اقتصادی با ترک‌ها باعث رواج برخی از اصطلاحات ترکی بین تالش‌ها و حتی گیلک‌ها شده است. در گذشته مبادلات بین ترک‌ها و تالش‌ها به محصولات دامی و دام‌پروری محدود می‌شد اما امروزه مبادله محصولات کشاورزی نیز رایج شده است. در گذشته دوره‌گردان ترک و در برخی موارد کرد مایحتاج عشایر تالش را فراهم می‌کردند و از مبادلات قند، چای، نمک و... سود می‌بردند. این مبادلات در سطح خردی قرار داشت و امروزه با افزایش ماشین‌آلات و وسایل حمل‌ونقل راه برای فعالیت‌های اقتصادی ترک‌ها در منطقه بیشتر شده به گونه‌ای که برخی کارخانه‌های چوب و برنج در دست ترک‌ها بوده و فعالیت اقتصادی در سطح کلان انجام می‌دهد.

قومیت در کنار فناوری در نوع روابط مبادله تأثیرگذار است. به مرور زمان به دنبال گسترش شهرنشینی و افزایش جمعیت و نیازها، بازارهای هفتگی منطقه اهمیت خاص پیدا کرده و به صورت دائمی و هفتگی از شبانه تا جمعه به تعداد شهرها و بخش‌ها و حتی دهستان‌ها در مناطق مختلف برگزار می‌شود. این بازارها روابط انسانی را افزایش داده و به عنوان نمادی اجتماعی نمایانگر همبستگی و یکپارچگی اقوام منطقه به شمار می‌آید. افراد حاضر در بازارها درباره مسائل و منافع شخصی، تجاری، عمومی، اخبار، شایعات، جنجال‌ها، بدگویی‌ها، افشاگری‌ها و امور دولتی بحث می‌کنند. در این بازارها بسیاری از پیوندهای خویشاوندی شکل گرفته و بسیاری از جوانان شریک زندگی آینده خود را انتخاب می‌کنند.

از عوامل دیگر همزیستی گروه‌ها گردهمایی و رودررویی مردم با یکدیگر و انجام مراسم و تشریفات و به جای آوردن آیین‌ها و رعایت قوانین و سنت‌های قومی و بهره‌گیری از شعائر و مناسک به هنگام حضور در این نوع مجالس است که پیوند فرهنگی اقوام را محکم‌تر ساخته است. شرکت هر کدام از اقوام در مراحل مختلف مراسم سنتی دیگر گروه‌های قومی آن‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده و با شیوه‌های مختلف زندگی آشنا می‌سازد. نمایش‌ها و بازی‌های دسته‌جمعی نیز مانند همه پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی کارکرد خاص خود را

داشته و یکی از نمونه‌های بارز هماهنگی و همکاری است که در منطقه مورد مطالعه بین گروه‌های قومی مختلف در سنین متفاوت به چشم می‌خورد.

برخی از عوامل هم‌زیستی مربوط به آیین‌ها و مناسک کاشت، داشت و برداشت و دام‌پروری است. یاریگری باعث افزایش روابط بین اقوام مختلف شده و نزدیکی آن‌ها را بیشتر می‌کند. فعالیت غالب در مناطق جلگه‌ای کشاورزی و در کوهستان دامداری انجام است. روستانشینان تالش برای انجام کار، تولید، مبارزه با طبیعت و زندگی بهتر نیاز به یاری و همکاری یا کار گروهی داشته و با یکدیگر روابط دوستانه کاری برقرار کرده‌اند.

عوامل ارتباطی ناشی از بهبود سیستم حمل‌ونقل بین‌شهری و پیامدهای فناوری‌های ارتباطی از جمله رادیو، تلویزیون و سینما نقش مهمی در جذب مهاجران و در نهایت هم‌زیستی آنان در کنار یکدیگر داشته است.

قانون نیز در هم‌زیستی نقش پررنگی دارد. با نگاهی اجمالی به مقدمه و اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه اصل سوم می‌توان دریافت همه به عنوان شهروندان ایرانی در مقابل قانون یکسان‌اند. این امر یکی از عوامل هم‌زیستی گروه‌های مختلف قومی محسوب می‌شود. در قانون اساسی رنگ و نژاد و قوم و زبان دلیلی برای برتری افراد نیست زیرا بر مبنای اصول اسلامی است؛ بنابراین نمونه هم‌زیستی گروهی اقوام ساکن (تالش، ترک، تات، گیلک، کرد و غیره) را می‌توان در روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی (انتخابات محلی و ملی، همراهی با نظام و...)، فرهنگی (همراهی در مراسم فرهنگی) و اعتقادی و مذهبی مشاهده کرد.

پیشنهادها

با وجود زمینه هم‌زیستی گروهی بین اقوام مختلف ساکن در تالش برای رسیدن به حد مطلوب تلاش مضاعفی لازم است. برای دستیابی به این سطح همکاری نظام دولتی و گروه‌های قومی (مردم) ضروری است. با بهره‌گیری از نتایج تجزیه و تحلیل روابط گروه‌های قومی ساکن در تالش و هویت قومی آنان، برخی از راهکارهای بهره‌گیری از توانایی این گروه‌ها برای تقویت هم‌زیستی گروهی و هم‌زیستی اجتماعی به شرح زیر ارائه می‌شود.

۱. تکثرگرایی اجتماعی و فرهنگی یکی از راهکارهای افزایش هم‌زیستی قومی و تأمین‌کننده منافع گروه‌های قومی در سطح ملی است.
۲. پرهیز از تمرکزگرایی و استفاده از نیروهای انسانی گروه‌های قومی در مناصب دولتی در از بین بردن عوامل بروز تشنج بین گروه‌های قومی مؤثر است.
۳. در مناطق مرزی فضاهای مشترک دو قوم که قبرستان‌ها، مساجد و بقاع متبرکه است امکان فعالیت آزادانه اقوام مختلف تأمین شود و دوره‌های آموزشی هم‌زیستی با مربیانی از هر دو قوم برگزار شود تا آگاهی عمومی گروه‌ها بالا رود.
۴. تلاش برای از بین بردن نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و فراهم کردن امکان دسترسی برابر به امکانات عمومی مانند آموزش و پرورش، حمل‌ونقل، مسیرهای

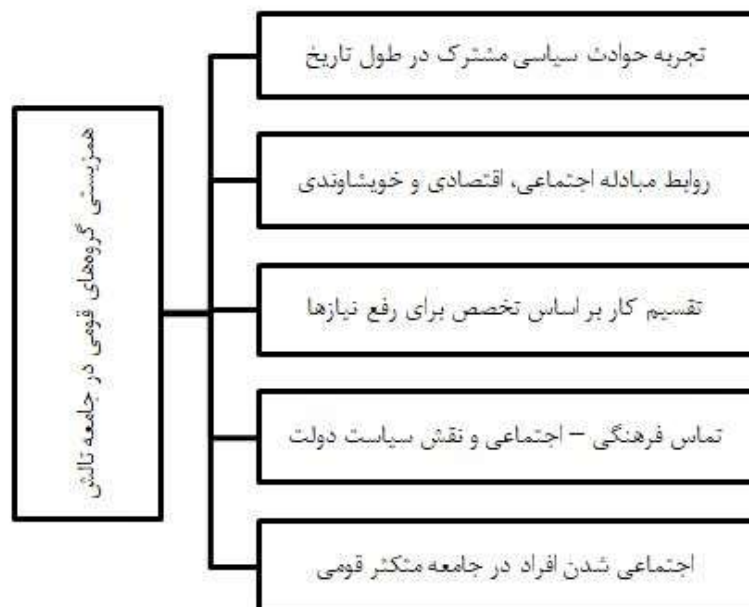
رفت‌وآمد برای محیط‌های روستایی و ... در مناطق محروم و تقسیم عادلانه بودجه و امکانات.

۵. فراهم کردن وسایل ارتباط‌جمعی جامعه‌پذیری بر اساس نیازهای روزمره گروه‌ها.
۶. توجه به عوامل مشترک همزیستی مانند سرزمین ایران، دین اسلام، توسعه انسانی، سلامت اجتماعی و...
۷. جلوگیری از تقابل گروه‌های مذهبی و پررنگ کردن مشترکات دینی، فرهنگی و اجتماعی نهادهای مدنی.
۸. تقویت خودباوری‌های فرهنگی و ایجاد اعتمادبه‌نفس از طریق رسانه‌های جمعی به خصوص رادیو و تلویزیون (بر اساس مصاحبه‌های انجام‌گرفته آنچه در ده سال گذشته با عنوان رسانه ملی در این رابطه صورت گرفته بسیار اندک و جزئی بوده است).

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش جامعه چند قومی تالش محل زندگی اقوام مختلفی از جمله تالش، کرد، ترک، گیلک و تات با مذاهب شیعه و سنی بوده و تنوع و تکثر دینی، مذهبی و قومی و وجود خرده‌فرهنگ‌های متفاوت منطقه‌ای از ویژگی‌های این جامعه به شمار می‌آید. این اقوام در دوره‌های تاریخی مختلف به دلایل اقتصادی، سیاسی یا مساعد بودن شرایط آب‌وهوا وارد این منطقه و در آن ساکن شده‌اند. در این پژوهش زمینه‌های همزیستی گروه‌های قومی در منطقه تالش از جمله پیشینه روابط و تجربه مشترک سیاسی، نقش مبادله در اقتصاد، همیاری و خویشاوندی، انواع آداب‌ورسوم، دین و مذهب، راه‌ها و ارتباطات، جامعه‌پذیری و اجتماعی کردن، قانون اساسی و نقش دولت در همزیستی به تفصیل و بر پایه اسناد و مدارک تاریخی و پژوهشی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و تمامی رابطه‌ها و ریشه‌های احتمالی و اصلی کشف و نظریه‌های متناسب با داده‌های پژوهش فراخوانی شده و «الگوی همزیستی اجتماعی و فرهنگی» جهت تحلیل روابط ارائه شده است.

نمودار ۱: الگوی تحلیل همزیستی فرهنگی و اجتماعی در بین گروه‌های قومی ساکن در تالش



بر اساس مطالعات اسنادی و میدانی صورت گرفته عوامل زیر در شکل‌گیری همزیستی گروه‌های قومی در جامعه تالش مؤثرند:

۱. گروه‌های قومی حوادث سیاسی مشترکی را در طول تاریخ تجربه کرده‌اند.
۲. بین گروه‌های مختلف قومی روابط مبادله اجتماعی، خویشاوندی، اقتصادی، فرهنگی و... وجود دارد.
۳. بر اساس تخصص‌های افراد، جهت رفع نیازهای اقتصادی - اجتماعی، بین گروه‌های مختلف قومی تقسیم‌کار وجود دارد.
۴. بین اقوام تماس فرهنگی - اجتماعی برقرار بوده و سیاست دولت نقش مهمی در همزیستی اقوام دارد.
۵. افراد انسانی از گروه‌های مختلف قومی در جامعه چند قومی، اجتماعی شده و ویژگی‌های همزیستی را به نسل بعد منتقل می‌سازند.
۶. گروه‌های قومی در عین پایداری به آیین‌های خاص قومی، در ساخت جامعه مشارکت می‌کنند.

افراد ساکن در تالش در ابتدای ورود به این منطقه و مجاورت با اقوام دیگر روابط مختلفی از جمله کشمکش، درگیری‌های خونین، نزاع بر سر مراتع و آبشخورها، جنگ‌های سیاسی با طرفداری هر یک از اقوام از سیاستی خاص (سیاست دولت مرکزی یا سیستم قومی)، مبادلات مختلف اقتصادی کالاهای تولیدی، ازدواج و همسرگزینی و توسعه روابط

خویشاوندی به خارج از قوم خود، انجام مراسم و آیین‌های مشترک مذهبی و ملی داشته و به مرور زمان به همزیستی مسالمت‌آمیز رسیده‌اند. هر چند نوع برخورد هر قوم از اقوام مجاور بر اساس سیاست‌های دولت مرکزی بوده است اما به مرور زمان بر اثر افزایش مبادلات و مراودات اقتصادی و اجتماعی گسترده بین گروه‌های قومی، همبستگی ارگانیکی به واسطه نیاز به تخصص‌های گوناگون بین آنان ایجاد شده و به مرور زمان به پهنه همزیستی‌ها و روابط مسالمت‌آمیز افزوده شده است. برای انتقال ویژگی‌های همزیستی ایجادشده و تداوم این آن‌ها لازم است، جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن نسل جدید بر اساس ویژگی‌های جامعه صورت پذیرد و در نهایت زندگی عادی در یک جامعه چند قومی بر اساس نظریه تکثرگرایی شکل می‌گیرد.

منابع

- ادیبی، مهدی (۱۳۸۱). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی گروه‌های کوچک*، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چاپ دوم، تهران: سروش.
- بازن، مارسل (۱۳۶۷). *تالش (منطقه‌ای قومی در شمال ایران)*، ترجمه مظفر امین فرشچیان، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- برومبرزه، کریستیان (۱۳۷۰). *مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلانی*، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بیرو، آلن (۱۳۶۷). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، چاپ دوم، تهران: کیهان.
- ریترز، جورج (۱۳۷۹). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ چهارم، تهران: علمی.
- سیاپرا، یوژنی (۱۳۸۵). «تکثرگرایی فرهنگی بر خط (آنلاین)»، *فصلنامه رسانه*، شماره ۶۷.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۵). *مدیریت منازعات قومی در ایران: نقد و بررسی الگوهای موجود و ارائه الگوی مطلوب*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- عبدلی، علی (۱۳۶۹). *مطالبی در زمینه تاریخ، فرهنگ و جامعه تات‌ها و تالشان*، تهران: ققنوس.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۸). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، چاپ سوم، تهران: نی.
- فورسایت، دانلسون آر (۱۳۸۴). *پویایی گروه*، ترجمه مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قربانی ریک، رضا (۱۳۸۳). *تغییرات فرهنگی (از کوچ تا اسکان)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۷). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران: علمی.
- کریمی، علی (۱۳۹۰). *درآمدی بر جامعه‌شناسی تنوع قومی - مسائل و نظریه*، تهران: انتشارات سمت.
- Harris, M. (1968). *The Rise of Anthropological Theory: A Theories of Culture*. Crowell.
- Moreau, K. (1999). Influences des rapports sociaux de domination sur la construction de l'identité ethnique: l'exemple des descendants d'Algeriens de France. *Les Cahiers du CÉRIEM*, (4), 25-36.